

وزیر مختار انگلیس: ایرانیها از ما نفرت دارند

۱۵ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۳۰

سریدربولارد وزیر مختار انگلیس در ایران در سالهای جنگ دوم جهانی در گزارشی به تاریخ اول مارس ۱۹۴۳ / ۱۰ اسفند ۱۳۲۱ به وزارت امور خارجه انگلستان هشدار داد که بریتانیا بطور شدیدی محبوبیت خود را در ایران و نزد ایرانیان از دست داده و انگلیسیها روز بروز بیشتر مورد تنفر و انزجار ایرانیان قرار می گیرند.

سریدربولارد وزیر مختار انگلیس در ایران در سالهای جنگ دوم جهانی در گزارشی به تاریخ اول مارس ۱۹۴۳ / ۱۰ اسفند ۱۳۲۱ به وزارت امور خارجه انگلستان هشدار داد که بریتانیا بطور شدیدی محبوبیت خود را در ایران و نزد ایرانیان از دست داده و انگلیسیها روز بروز بیشتر مورد تنفر و انزجار ایرانیان قرار می گیرند. بولارد یادآور شده بود که « بخاطر روسیه شوروی ما نباید خودمان را فراموش کنیم » بولارد به واقعیت و حقیقتی اشاره کرده و وجه جدیدی از یک مسئله قدیمی را پیشروی سیاستمداران انگلستان قرار میداد. انزجار ایرانیها از انگلیسیها سابقه ای طولانی داشت که نقطه آغاز آن در قرن بیستم سال ۱۹۰۷ بود. در آن سال دولت انگلیس نه تنها دست از سیاست سنتی خود یعنی حمایت از ایران در مقابل روسیه برداشت بلکه باتفاق آن کشور اقدام به تقسیم ایران به مناطق نفوذ نمود. آنتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلیس روز ۲۲ نوامبر ۱۹۴۵ / اول آذر ۱۳۲۴ طی نطقی در مجلس عوام انگلیس اظهار داشت:

«ما به خاطر میآوریم که بعد از کوششهای سراداردگری در ۱۹۰۷ چه اتفاق افتاد. آن کوششها سبب شد تا میراثی از سوءظن نسبت به انگلیسیها در ایران بوجود آید که ما را برای مدت بیست سال یا بیشتر نزد ایرانیها نامحسوب کرد.» بدبینی و تنفر ایرانیان از انگلستان و انگلیسیها مجدداً به هنگام مطرح شدن قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق الدوله - کرزن تشدید گردید. ایرانیها قرارداد ۱۹۱۹ را کوششی از سوی دولت انگلستان برای برقراری تحتالحمایگی بر ایران تحت سیطره انگلیسیهای امپریالیست می دانستند. دو سال بعد هم ایرانیها انگلستان را متهم کردند که کودتای ۱۹۲۱ (۱۲۹۹ شمسی) را در ایران علم کرده است و در سالهای بعد نیز مسئله نفت و تجدید قرارداد داری پیش آمد و بالاخره هجوم سربازان انگلیسی به ایران در اوت ۱۹۴۱ (شهریور ۱۳۲۰) و اشغال کشور و کوشش مجدانه آنها برای کمک رسانی به شوروی که منجر به کمبود و قحطی مواد غذایی در ایران شده بود. بعد از اشغال ایران شهرت و محبوبیت بریتانیا بسرعت رو به کاهش گذاشت. آندسته از بازرگانان و مالکان وابسته به طبقه حاکم که می خواستند از اوضاع بحرانی ناشی از جنگ استفاده کرده و با احتکار اجناس و مواد مورد نیاز مردم مال اندوزی نمایند، با انگلیسیها مخالف و از آنها متنفر و منزجر شدند چرا که انگلیسیها برای پیشگیری از اغتشاش و شورش مردم اقدام به جیره بندی کالاهای اساسی مورد نیاز مردم کرده و در آن باره کنترل شدیدی به عمل آوردند. توده مردم ایران نیز یا در مقابل مسائل روز بی تفاوت بوده و توجهی به آن نداشتند و یا انگلستان را برای فساد و بی کفایتی دولتهای ایران سرزنش می کردند.

اصولاً سالها بود که انگلیسیها در مورد هر مسئله و مشکلی که برای ایران پیش می‌آمد ملامت می‌شدند. عقیده عمومی در هر بحرانی دست انگلیس را در کار می‌دید و انگلیسیها را مقصر می‌دانست.

ترس از روسیه و بعدها وحشت از اتحاد شوروی برای ایرانیان مسئله عمده‌ای بشمار می‌رفت. هر گاه نیز روسیه تمامیت ارضی و استقلال ایران را مورد تهدید قرار می‌داد ایران از انگلستان طلب کمک و حمایت می‌کرد ولی در سال ۱۹۴۱ این دولت بریتانیا بود که سربازان شوروی را دعوت به تهاجم و اشغال ایران کرد. تجربه تاریخی و احساس طبیعی ایرانیها چنان بود که در غایت امر انگلستان مدعی شد از منافع ایران در مقابل شوروی دفاع و حمایت خواهد کرد، ولی بعد از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ مردم ایران شاهد بودند که انگلستان و شوروی با همکاری یکدیگر و برقراری تفاهم سیاسی و نظامی ایران را به مناطق اشغالی خود تقسیم کردند. بنابراین ترویج این عقیده و احساس که بریتانیا بخاطر ایران با شوروی درگیر نخواهد شد امری طبیعی به نظر می‌رسید و متقابلاً هر چه فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی انگلستان بر ایران افزوده می‌شد، خشم و تنفر از انگلیسیها بیشتر و محبوبیت آنها کاهش بیشتری پیدا می‌کرد. در طول سالهای ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ انگلیسیها بخاطر مسائل مختلفی ایران را در مضیقه و تحت فشار قرار دادند. اخراج آلمانیها، بستن سفارتخانه‌های آلمان و ژاپن، توقیف و بازداشت و زندانی کردن ایرانیانی که مورد سوء ظن انگلیسیها بوده و بعضاً نیز با آلمانیها همکاری کردند بودند، تهیه ریال لازم برای تأمین هزینه‌ها و مخارج نیروهای اشغالگر در ایران، قحطی، کمبود، ناامنی و بسیاری مشکلات و مسائل دیگر. در برخورد با تمامی این مسائل، دولت انگلیس لزوماً به تبعیت از سیاست عمومی و مشترک متفقین پرداخته و فقط به حفظ منافع حیاتی و بین‌المللی خود به قیمت پایمال کردن منافع ایران توجه داشت. برقراری روابط منطقی و درست و یا در نظر داشتن مصالح ایران بهیچوجه برای دولت بریتانیا مطرح نبود. مقامات وزارت امور خارجه انگلستان خود معترف بودند که «برای ارسال تدارکات به شوروی سفارت بریتانیا در تهران به هر کار زشتی دست می‌زد.» با اینحال واکنش انگلیسیها نسبت به خشم و تنفر و انزجار ایرانیها از انگلستان و انتقادات متفقین خود، ساده و بدون تغییر بود. یکی از اعضای برجسته بخش شرقی و وزارت امور خارجه انگلستان پس از مطالعه گزارش‌های مربوط به عدم محبوبیت انگلیسیها در ایران و انتقاداتی که بعضاً از جانب متفقین آنها به عمل می‌آمد، در یادداشتی نوشت که:

«شکی نیست که ما به هیچوجه در سیاست خود که ارسال حداکثر میزان تدارکات به اتحاد شوروی است تغییری نخواهیم داد. بنابراین کمبود در ایران ادامه خواهد داشت و تنفر و انزجار از ما هم بیشتر خواهد شد و ما همچنان نامحبوب خواهیم ماند.»

عدم محبوبیت انگلیسیها در ایران در سال‌های بعد نیز همچنان رو به افزایش می‌گذاشت. در قضایای دیگر چون نفت شمال و آذربایجان انگلیسیها بیشتر از هر موقع دیگر مورد تنفر و انزجار مردم ایران قرار گرفتند. بطور کلی سالهای جنگ دوم جهانی سالهای خوبی در روابط ایران و انگلستان نبوده و نتیجه اینکه کشتی بلازده ایران که از طوفانهای سهمگین زمان جنگ رهیده بود سرانجام خود را در آبهای دیگری یافت که تحت کنترل ایالات متحده امریکا قرار داشتند...!

منبع: ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ دوم جهانی دکتر ایرج ذوقی، انتشارات پاژنگ، ۱۳۶۷، ص ۱۱۸ تا ۱۲۰.

منبع: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۱۶۷/نفرت-ایرانیها-انگلیس-مختار-وزیر>